



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۰۱۶-۹۹۲

تأثیر عوامل جغرافیایی بر روابط خان‌های ماکو با حکومت مرکزی ایران در دوره ناصری

جعفر آقازاده

دانشگاه محقق اردبیلی. دانشکده علوم اجتماعی. گروه تاریخ. اردبیل. ایران.. j.agazadeh@uma.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳

چکیده

خاندان بیات ماکویی از دوره شاه‌عباس اول در ماکو ساکن شدند و حکومت محلی این منطقه را با فراز و فرودهایی تا قدرت‌یابی قاجارها ادامه دادند. با تشکیل حکومت قاجار آن‌ها به اطاعت شاهان قاجار درآمدند، اما با بروز نشانه‌های ضعف در حاکمیت قاجارها، آن‌ها به مرور تمایلات استقلال‌طلبانه خود را بیشتر نمودند. پژوهش حاضر به روابط خوانین ماکو با حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار پرداخته است. این پژوهش با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ دادن به این پرسش‌ها است که منطقه ماکو به چه دلایلی بستری برای شکل‌گیری حکومت محلی توسط خوانین بیات شد؟ روابط خوانین ماکو با حکومت قاجار در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار چه مرحله‌ای را طی کرد و تعهدات خوانین در برابر حکومت مرکزی چه بود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که حضور خوانین بیات از دوره صفویه در ماکو و بهره‌گیری آنان از موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی ماکو در مجاورت مرزهای ایران با کشورهای عثمانی و روسیه و استفاده از قدرت جنگی ایلات و عشایر منطقه، عوامل مهم شکل‌دهی به قدرت محلی آن‌ها بود. بررسی مناسبات خاندان بیات با حکومت قاجار در دوره ناصری بیانگر آن است که آن‌ها به‌خصوص در دوره حکمرانی تیمور پاشا در برابر اقدامات تمرکزگرایانه ناصرالدین‌شاه مقاومت کرده و دخالت حکومت مرکزی در امور ماکو را به حداقل رساندند.

واژه‌های کلیدی

حکومت محلی، ماکو، خوانین ماکو، تیمور پاشا، ناصرالدین‌شاه.



مقدمه

طایفه بیات در دوره شاه عباس اول در راستای سیاست این پادشاه برای تقویت قلاع مرزی در برابر عثمانی‌ها به قلعه ماکو کوچانده شدند. آن‌ها حاکمیت موروثی این منطقه را علی‌رغم دست‌اندازی‌های مکرر عثمانی‌ها و ایلات رقیب تا اواخر دوره نادرشاه حفظ کردند. دوره کریم‌خان زند از مقاطع مهم در نقش‌آفرینی خاندان‌های محلی در آذربایجان بود، در این میان خاندان بیات حاکم بر ماکو بر دامنه قدرت و نفوذ خود افزود. با تشکیل حکومت قاجار، خاندان بیات به تابعیت قاجارها درآمد و نقش مؤثری در جنگ‌های ایران و روسیه ایفا نمود؛ اما مرگ عباس‌میرزا (۱۲۴۹ هـ ق) و فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ هـ ق) و منازعات جانشینی حاصل از آن، باعث ضعف هر چه بیشتر حکومت قاجار شد و نظارت حکومت مرکزی بر نواحی سرحدی را کم‌رنگ نمود (آقازاده، ۱۴۰۲: ۳۶۰-۳۶۱). همچنین دخالت‌های فزاینده روس و انگلیس در امور داخلی ایران و فساد دیوان‌سالاری، زمینه را برای افزایش قدرت‌های متنفذ محلی، به‌ویژه در نقاط سرحدی، فراهم کرد. ماکو نیز از جمله این مناطق بود که خوانین حاکم بر آن از دوره علی‌خان ماکویی (حکومت ۱۲۳۸-۱۲۸۴ هـ ق) و فرزندانش با بهره‌گیری از موقعیت طبیعی قلعه آن و قرار داشتن در مرزهای ایران باعثمانی و روسیه، به‌مرور از نظارت مستقیم حکومت مرکزی خارج شدند و با سرسپردگی به حکومت قاجار، تمایلات محلی خود را در این منطقه پیش بردند.

عملکرد علی‌خان و جانشینانش به خصوص تیمورپاشا (حکومت ۱۲۸۹-۱۳۱۴ هـ ق) در حکومت ماکو ناشناخته مانده است. از بین آنها، تیمورپاشا نفوذ این خاندان را در منطقه گسترش داد و در برابر اقدامات تمرکزگرایانه ناصرالدین‌شاه برای تسلط بر ماکو مقاومت کرد و تعهدات خوانین در برابر حکومت قاجار را کاهش داد. این پژوهش واگرایی و همگرایی در مناسبات خوانین بیات با حکومت قاجار در عصر ناصری را تحلیل می‌کند و به سیاست آن‌ها در قبال حکومت مرکزی و راهکارهای آنان برای محدود کردن دخالت‌های حکومت ناصری در ماکو را نشان می‌دهد. مطالعه این خاندان در ابعاد بالا می‌تواند الگویی برای مطالعات خاندان شناختی و تحلیل روند روابط حکومت قاجار با قدرت‌های محلی باشد.

پیشینه پژوهش

دربارۀ روابط خوانین ماکو با حکومت مرکزی ایران در دوره ناصری پژوهشی مستقل صورت نگرفته است، اما در برخی پژوهش‌ها به‌صورت مختصر و ناقص به این روابط اشاره شده است؛ موسوی ماکویی (۱۳۷۶) در کتاب تاریخ

ماکو، نگاه گذرایی به حکومت تیمور پاشا داشته و در این مورد به تکرار چند نقل قول اکتفا کرده است. کلارک (۱۴۰۲) در کتاب آذربایجان در دوره قاجار به برخی از خدمات نظامی خان‌های ماکو در این دوره اشاره دارد. زاغیان و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل عملکرد دولت مرکزی و حاکمان محلی آذربایجان در رویارویی با شورش شیخ عبیدالله شمزینی»، به عملکرد تیمورپاشاخان در مبارزه و شکست این شورش پرداخته است. آقازاده (۱۳۹۹)، در مقاله «حکومت ایلی در ایران: نقش خاندان بیات ماکویی در دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی»، به جایگاه طایفه بیات در دوران صدارت آقاسی به صورت مفصل اشاره کرده است. طاهر احمدی (۱۳۷۶) در مقاله «روابط اقبال السلطنه ماکویی با حکومت مرکزی و شوروی»، ضمن بررسی روابط مرتضی قلیخان اقبال السلطنه با حکومت مرکزی، به صورت خیلی گذرا در چند بند به روابط تیمور پاشا هم با حکومت ناصری اشاره کرده است. بنابراین اهمیت پژوهش حاضر در آن است که سیر حکومت موروثی خوانین بیات در ماکو را از ابتدای دوره قاجار تا پایان عصر ناصری ترسیم کرده و به فراز و فرود روابط آنان با حکومت ناصری به صورت مفصل اشاره کرده است.

روش

با توجه به ماهیت موضوع، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام شده و نویسنده می‌کوشد با بررسی و تحلیل اطلاعات موجود در منابع جغرافیایی و تاریخی، به تصویری مطلوب از جغرافیای تاریخی منطقه ماکو دست یابد.

روابط خوانین ماکو با حکومت قاجار پیش از سلطنت ناصرالدین شاه

خوانین بیات از دوره شاه‌عباس اول صفوی (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ ق) با سکونت در قلعه ماکو، حکومت موروثی این منطقه را به دست آوردند (اسکندریگ، ۱۳۸۷، ج ۲: ۷۴۲) و با فراز و فرودهایی این میراث را تا برآمدن قاجارها ادامه دادند (Çelebi, 2012, Vol.2:260؛ Qarayev, 2010: 62-70). با قدرت‌یابی آقا محمدخان قاجار و لشکرکشی وی به آذربایجان در سال ۱۲۰۵ هـ ق، حسین‌خان، حکمران ماکو هم به‌مانند دیگر حکام و خوانین آذربایجان، به اطاعت وی درآمد (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۲۳؛ Mehmetov, 2009: 466).

با آغاز حکومت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ هـ ق) و حضور قدرتمند عباس میرزا در آذربایجان و شورش‌هایی که اعضای خاندان دنبلی خوی علیه حکومت قاجار ترتیب دادند که در مواردی پای خوانین بیات هم به ماجرا باز شد (Bournoutian, 1998: 51-50; Qarayev, 2010: 92; دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۹۹)؛ زمینه برای حذف این خاندان مهم و متنفذ شمال غرب کشور (دنبلی‌ها) از صحنه سیاسی_نظامی منطقه فراهم شد (سپهر، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۰۰-۱۰۵). حسین خان ماکویی که متوجه تلاش‌های عباس میرزا برای تمرکزگرایی در آذربایجان شده بود و از طرفی قدرت لازم برای مخالفت با قاجارها را نداشت و از سرنوشت دنبلی‌ها درس عبرت گرفته بود؛ راه اطاعت از عباس میرزا را در پیش گرفت. او در دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه از حکومت قاجار حمایت می‌کرد؛ اقدامات حسین خان به دلیل پشتیبانی ارمنی‌های این منطقه از روس‌ها (Bournoutian, 1998: 139)، اهمیت زیادی داشت و عباس میرزا توجه خاصی به خدمات حسین خان داشت (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۲۴).

با مرگ حسین خان در سال ۱۲۳۸ هـ ق فرزندش، علی خان، به جای وی به حکومت ماکو رسید (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۲۵). قوای نظامی وی در دوره دوم جنگ‌های ایران با روسیه در خدمت عباس میرزا بودند (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۲۵). عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ هـ ق / ۱۸۲۸ م) نقش مهمی در تعیین سرنوشت خوانین ماکو ایفا کرد؛ در مسئله پرداخت غرامت جنگ و واگذاری سرزمین‌ها، پاسکویچ، سردار روس، با استناد به اینکه ماکو از گذشته جزو ایالت ایروان است؛ خواهان تصرف این منطقه مهم نیز شد؛ یکی از فرماندهان روس، در نامه‌ای سری به پاسکویچ فرمانده کل نیروهای روسیه تزاری در قفقاز، با اشاره به موقعیت استراتژیک قلعه ماکو تأکید می‌کند که با حضور این محال در ترکیب ایروان می‌توان تحرکات قشون ایران و عثمانی را به خوبی رصد کرد و در غیر این صورت تهدیدی بر امنیت ایروان خواهد بود. نقش ماکو برای امنیت ایروان به اندازه اهمیت ایروان برای امنیت گرجستان است (Prisoedinienie vostochnoy Armenii k Rossii, 1978, Tom II: 433-432). با رد دعوی روس‌ها از طرف عباس میرزا و با دخالت مکدونالد وزیرمختار انگلستان، آن‌ها از تصرف ماکو دست برداشتند (غنی و اقبال، ۱۳۲۳: ۲۱؛ قاضی‌ها، ۱۳۷۴: ۲۵-۲۶). هدایت معتقد است که در این قضیه به خوانین ماکو قدرت اختیار داده شد و آن‌ها خودشان تابعیت ایران را برگزیدند، به همین خاطر بود که شاهان قاجار، رعایت حال آن‌ها را داشتند (هدایت، ۱۳۸۹: ۳۶۲). چند ماه پس از این معاهده، روس‌ها باز در فکر تصرف ماکو بودند؛ آن‌ها با دادن امتیازاتی به عباس میرزا، خواستار الحاق ماکو به قلمرو خود شدند، اما عباس میرزا رضایت نداد (Bournoutian, 1998: 306).

تعیین رود ارس به عنوان مرز میان ایران و روسیه، باعث شد که شهر ماکو به عنوان مرز میان سه کشور ایران، روسیه و عثمانی اهمیت بسیار زیادی پیدا کند. از این زمان این شهر و حکام آن همواره در معرض دخالت‌های دو کشور روس و عثمانی قرار گرفتند. علی‌خان از روسیه و عثمانی بیم داشت (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۷۶). او برای ایجاد توازن در برابر فشار و نفوذ روس‌ها، با عثمانی‌ها روابط مخفیانه داشت (*Osmanlı Arşiv Belgelerinde Nahçıvan, 2011: 119*). روس‌ها یک سال پس از معاهده ترکمانچای سعی کردند با دامن زدن به آشوب‌های ایلات و اغوای علی‌خان ماکویی، این شهر را به قلمرو خود ضمیمه کنند؛ اما در این کار موفق نشدند (فراهانی، ۱۳۵۹: ۴۱-۴۲؛ کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۷۶). او و فرزندانش موقعیت خود را بیش‌ازپیش تحکیم کرده و توطئه‌های روس‌ها برای تسلط بر این منطقه را خنثی کردند (فلاندن، ۲۵۳۶: ۵۹).

با رسیدن حاج میرزا آقاسی از ایل بیات ایروان به صدراعظمی محمدشاه قاجار (حکومت ۱۲۵۰-۱۲۶۴ هـ ق)، خان‌های ماکو به یکی از مهم‌ترین خاندان‌های سیاسی-نظامی کشور تبدیل شدند؛ بیات‌های ماکو و ایروان ریشه مشترک داشتند، علاوه بر آن، علی‌خان ماکویی نقش مهمی در برکشیدن جایگاه وی داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۸۶؛ نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۱۲-۱۳). حاج میرزا آقاسی، برای کنترل امور کشور و تضعیف رقبا و تقویت هواداران خود، اقوام و دوستان ماکویی‌اش را به تهران آورد و مناصب مهم نظامی، دیوانی و حکومت بسیاری از ایلات و ولایات را به آن‌ها بخشید (کارنامه نصرت‌الدوله ماکویی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۱۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۲۸؛ Ferrier, 1857; 25). با این شرایط خوانین ماکو از یک خاندان محلی با قدرت محدود به یکی از بزرگ‌ترین خاندان‌های نخبه نظامی و اداری ایران تبدیل شدند. باسیاستی که حاجی میرزا آقاسی برای گماشتن نزدیکان خود به مناصب بالا در پیش گرفته بود؛ در پایان سلطنت محمدشاه اغلب فرماندهان نظامی و حکام کشور از ماکوییان و طرفداران حاجی میرزا آقاسی بودند (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۱۶؛ Amanat, 2011: 133-138). اغلب منابع خوانین ماکو را به سوء رفتار با رعایا و غارت اموال آن‌ها و ثروت‌اندوزی متهم کرده‌اند (سپهر، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۵۱؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۷۰؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۳۶؛ آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۶۳)؛ اما در عوض خدمات نظامی آن‌ها در سرکوب شورش‌های مختلف در خراسان و غرب کشور را ستوده‌اند (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۲۹۶؛ هدایت، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۸۳۶۵).

روابط خوانین ماکو با حکومت ناصرالدین شاه قاجار

۱- آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و برکناری ماکویی‌ها از مناصب اداری و حکومتی

با مرگ محمدشاه در شوال ۱۲۶۴/ سپتامبر ۱۸۴۸، بیشتر امرا و درباریان و حتی سفرای روس و انگلیس به صورت آشکارا از آقاسی روی برتافتند و دور مهد علیی مادر شاه که اختلافات دیرینه‌ای با حاج میرزا آقاسی داشت، جمع شدند و پایتخت به کانون توطئه بر ضد آقاسی و اطرافیان ماکویی وی تبدیل شد (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۷). با قدرت بلامنازع مخالفان و سیاست‌های آنان، وابستگان ماکویی صدراعظم به‌ناچار از اطراف وی پراکنده شدند. ماکویی‌های ساکن تهران توسط مخالفان و مردم عادی غارت‌شده و اموالشان مصادره شد، به‌ناچار در باغی در خارج شهر تهران پناه گرفتند (سپهر، ۱۳۹۰، ج ۳: ۹۳۵؛ نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۱۶).

سرنوشتی که برای آقاسی و نظامیان ماکویی در تهران رقم خورد؛ برای وابستگان او در ایالات و ولایات هم تکرار شد. اطرافیان ناصرالدین شاه در تبریز، از فرصت بهره بردند و با آگاهی از اوضاع آشفته آقاسی و ماکویی‌ها در تهران، علی‌خان ماکویی (پیشکار ولیعهد و سردار آذربایجان) و دست‌نشانگان آقاسی را از دخالت در امور بازداشتند و میرزا تقی‌خان امیرنظام در قشونی که برای حرکت شاه به تهران تدارک دید؛ ماکوییان و وابستگان آقاسی را کنار گذاشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۶۹۱؛ امانت، ۱۳۹۱: ۱۴۸)؛ بنابراین علی‌خان که با مخالفت اطرافیان ولیعهد و انگلیسی‌ها مواجه شده بود. با شنیدن خبر مرگ شاه و وضعیت وخیم حاجی میرزا آقاسی، دوباره به ماکو فرار کرد (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۸۴۰۳). با پخش خبر مرگ محمدشاه و در نتیجه سیاست‌های اشتباه حاجی میرزا آقاسی و محمدشاه در اداره امور کشور، شورش‌های گسترده‌ای در شهرهای مختلف کشور از جمله اصفهان، کرمان، یزد و شیراز برپا شد، بخشی مهمی از این شورش‌ها متوجه حکمرانان ماکویی بود که باعث فرار آنها از مقر حکومتی‌شان شد و هم‌زمان شاه جدید و امیرکبیر هم آنها را مؤاخذه کردند (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۲۹؛ سپهر، ۱۳۹۰، ج ۳: ۹۴۷). نصرت ماکویی در جمع‌بندی سرنوشت خوانین ماکو هنگام مرگ محمدشاه معتقد است: «اهالی ولایات عراق ایران بماکوئی‌ها شوریدند» (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۱۶). با رسیدن ناصرالدین شاه به تهران، امیرکبیر سربازان و خوانین ماکویی را که در باغ محمدحسن خان سردار در خارج از شهر تهران پناه گرفته بودند، بخشید. عفو و بخشش سربازان ماکویی، به خاطر نیاز حکومت به قدرت نظامی آنها بود، به‌نحوی که در طول حکومت ناصرانی‌ها توانایی نظامی خود را در سرکوب شورش‌های مختلف به نمایش گذاشتند.

۲- حکومت موروثی خوانین بیات در ماکو

در این دوره، ماکو، شهری کوچک با حدود چهارصد خانوار بود (Monteith, 1833, Vol.3: 49) و حدود دو هزار نفر جمعیت داشت (دوسرسی، ۱۳۹۰: ۷۵). در گزارش دیگر جمعیت این شهر در سال ۱۲۸۰ هـ ق/۱۸۶۴ م حدود ۱۵۰۰ نفر تخمین زده شده است. بخشی از کاهش جمعیت به دلیل بیماری طاعون بود که در این سال در ماکو شیوع پیدا کرد (Reports from commissioners, 1876, V.38: 85). در سال 1312 هـ ق در حدود پنج هزار نفر ساکن این شهر بودند (Wilson, 1895: 87).

علی‌خان که از سال ۱۲۳۸ هـ ق حکومت ماکو را با لقب صمصام‌الممالک بر عهده داشت، (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۰۵)، در سال ۱۲۸۴ هـ ق از دنیا رفت. او شش فرزند پسر به نام‌های محمود پاشا، ابراهیم پاشا، اسماعیل پاشا، تیمور پاشا، بهلول پاشا و اسحاق پاشا داشت (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۲۴). عنوان پاشای ترکی که در آخر نام فرزندان علی‌خان آمده است، در حکومت عثمانی به کارمندان دولتی و سربازان با درجه بالاتر از سرهنگ داده می‌شد (Türk Dil Kurumu: Paşa Kelemesi). کاربست آن از طرف بیات‌های ماکو، تأثیرپذیری آن‌ها از ساختار اداری و نظامی عثمانی را نشان می‌دهد و عجیب آنکه حکومت مرکزی ایران هم آن را به رسمیت شناخته بود. حکومت خوانین بیات در ماکو موروثی بود؛ بنابراین بعد از فوت علی‌خان، پسر ارشدش، محمود پاشا خان از طرف دولت مرکزی با لقب «صدیق‌الدوله» به حکمرانی این منطقه منصوب شد (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). در سال ۱۲۸۷ هـ ق تیمور پاشا خان و بهلول پاشا خان، دیگر پسران علی‌خان، به مخالفت با برادرشان برخاستند؛ اما با وساطت حکومت مرکزی میان طرفین صلح برقرار شد و تیمور پاشا به ریاست توپخانه آذربایجان در تبریز منصوب شد و بهلول پاشا خان هم به سرتپی فوج ماکو رسید (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۱-۳۰). رسیدن این دو برادر به حضور ناصرالدین‌شاه در مسیر سفر وی به عتبات در ۱۴ رجب ۱۲۸۷ هـ ق و خلعت‌بخشی شاه به آنان، بی‌ارتباط با این اختلافات نیست (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۹۰-۹۱، ۹۴).

طبق ادعای افتخاری بیات، محمود پاشا خان پس از حدود ۸ سال حکمرانی، در سال ۱۲۹۱ یا ۱۲۹۲ هـ ق فوت کرد (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۱)؛ اما در سال ۱۲۸۹ هـ ق، اسماعیل پاشا خان، فرزند دیگر علی‌خان، گزارشی از اوضاع ماکو به تبریز ارسال کرده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۹۹)، همچنین در سال ۱۲۹۰ هـ ق از محمود پاشا به‌عنوان مرحوم نام‌برده شده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۸۹). افتخاری بیات هم اسماعیل پاشا را جانشین محمود پاشا در حکومت ماکو معرفی کرده است (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۱). در سال ۱۲۹۱ هـ ق نامه‌ای از اسماعیل پاشا خان به

ایالت آذربایجان در دست است که او گزارشی از تحرکات عثمانی‌ها در مرزها ارائه داده است و آخر نامه، مهر «ابن علی اسماعیل» دارد (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۸۰-۴۷۹). در این میان فرمان انتصاب تیمور پاشا به حکمرانی ماکو به تاریخ جمادی‌الاول ۱۲۸۹ هـ ق از سوی ناصرالدین‌شاه صادر است: «عالیجاه مشارالیه را بخدمت سرحد داری سرحدات ماکو و ریاست و نگاهداری عشایر و ایلات متعلقه بانحدود مأمور و منصوب فرمودیم» (از مجموعه اسناد کاخ‌موزه باغچه جوق ماکو: بدون شماره). تیمور پاشا در اولین نامه‌هایی که از او در دست است؛ از بی‌توجهی مقامات ایالت آذربایجان به خودش گلایه می‌کند (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۵۴-۴۵۳). از موارد فوق می‌توان به این نتیجه رسید که با مرگ محمودپاشا در سال ۱۲۸۹ هـ ق، منازعاتی میان برادران وی پیش آمد که درنهایت به حکومت تیمور پاشا ختم شد، اما کارگزاران ایالت آذربایجان از این شرایط بهره برده و از طریق مکاتبه با اسماعیل‌پاشا، جایگاه تیمور پاشا را تضعیف می‌کردند، به‌طوری‌که او برای تثبیت جایگاه خود در نزد کارگزاران ایالت آذربایجان، پیشکش‌هایی به آن‌ها ارسال می‌کرد (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۵۸-۴۵۷، ۴۶۷).

اختلافات خوانین ماکو در بحث ریاست و مسائل ملکی که رد پای حکومت مرکزی را می‌توان در آن یافت، همواره ادامه داشت: «همیشه دو فرقه بودند. گاهی سایرین با این می‌شدند گاهی با آن» (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۵). در سال ۱۳۰۰ هـ ق، در نتیجه اختلافات بین تیمور پاشا و برادرش بهلول پاشا، طرفداران تیمور پاشا به وابستگان برادرش حمله کرده و تعدادی از آن‌ها را به قتل رساندند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۰، کارتن، ۹۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۵۲). اختلافات قدیمی میان تیمور پاشا و دیگر برادرش اسحاق پاشا، منجر به دخالت حکومت مرکزی شد و در سال ۱۳۰۲، با درخواست تیمور پاشا مقرر شد که اسحاق پاشا مدتی به تهران برود و در رکاب صدراعظم بماند تا «قانون دولتی را بفهمد و خاصیت خود را عوض کند». چون وساطت ولیعهد در سال ۱۳۰۱ و التزام اسحاق پاشا به خوش‌رفتاری، تغییری در اقدامات وی ایجاد نکرده بود (ساکما، ۲۹۵/۷۴۵۷). پس از مرگ اسحاق پاشاخان، فرزند او حسینقلی خان با حمایت مظفرالدین میرزا ولیعهد در برابر تیمور پاشا قرار گرفت و طرفین به قشون‌کشی علیه هم پرداختند (۱۳۱۳ هـ ق)، اما سرانجام وی به دست عوامل تیمور پاشا در داخل شهر ماکو کشته شد و پیگیری‌های مکرر مظفرالدین میرزا و سپس محمدعلی میرزا به توافق طرفین به پرداخت خون‌بها ختم شد و خللی به حکومت تیمور پاشا وارد نشد (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۶-۲۷).

۳- خدمات نظامی و امنیتی خان‌های ماکو

در ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر و شاه، علی‌رغم مخالفت گسترده‌ای که در ایالات و ولایات نسبت به ماکویی‌ها وجود داشت، با عمل‌گرایی خاصی از قدرت و توان نظامی بالای آن‌ها بهره بردند، به‌ویژه آن‌که تمام کشور در شورش و ناامنی بود و نیاز فوری به نیروی نظامی کاردان وجود داشت؛ تیمور پاشا خان سرهنگ در رأس هشتصد نفر از قوای خود (اوایل سال ۱۲۶۶ هـ. ق) از همراهان سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه در جنگ با حسن خان سالار بود (سپهر، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۰۸-۲۰۷؛ افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۰). به علت شجاعت و دلیری که تیمور پاشا خان در این جنگ‌ها از خود نشان داده بود از طرف ناصرالدین‌شاه به مرتبه سرتیپی ارتقا یافت (از مجموعه اسناد کاخ‌موزه باغچه‌جوق: بدون شماره). او در سرکوب شورش‌های دیگر هم حضور داشت و به درجه میرپنجی رسید (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۰). محب علی‌خان ماکویی هم که رابطه سببی با خاندان سلطنت داشت و دختر فتحعلی شاه در زوجیت وی بود، در سال ۱۲۶۶ هـ. ق، درجه میرپنجی گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۷۰۷). همچنین فرماندهی برخی فوج‌های نظامی به‌خصوص در شهرهای آذربایجان بر عهده خوانین ماکو بود (بهاء الدوله، ۱۳۹۹: ۳۰۱).

قدرتمندترین فرد این خاندان، تیمور پاشا بود؛ لرد کرزن درباره وی می‌نویسد: «تیمور پاشا خان مبلغی از دولت دریافت می‌دارد و ۲۰۰۰ سوار فراهم می‌سازد. وی عده بیشتری هم تحت اختیار خود دارد که بعضی‌ها تا ۱۰/۰۰۰ نفر نظر داده‌اند و بیشتر آن‌ها نیز با سلاح مارتینی-هنریز^۱ و بردانز^۲ مسلح می‌باشند» (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۷۶). آرتامونوف معتقد است که تیمور پاشا یک فوج مرکب از هزار نفر دارد و از هر پنج خانه یک سرباز می‌گیرد (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۵). او در جای دیگر می‌نویسد که کردهای ماکو به خواست تیمور پاشا می‌توانند پنج هزار سوار مسلح برای وی آماده کنند (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۹۳). نیروهای نظامی وی عموماً از ایلات کرد و روستائیان بودند (Wilson, 1895: 87). عامل عمده قدرت خوانین ماکو تسلط آن‌ها بر ایلات و عشایر ماکو^۳ و بهره‌گیری از قدرت جنگی آنان بود (اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۷، پرونده ۲، سند ۲۱). تیمور پاشا در برابر ایلات و عشایر ماکو، اقتدار کافی از خود نشان می‌داد و هرگز به آن‌ها اجازه جولان و استقلال عمل نمی‌داد (ضرغام، ۱۳۶۹: ۱۴۹-۱۵۴). او علاوه بر کردهای ماکو، در میان کردهای مرزنشین عثمانی هم نفوذ فوق‌العاده‌ای

^۱Marrtini-Henrys

^۲Berdans

^۳ ماکو، مسکن دو ایل جلالی و میلان بود که به مذهب شافعی بودند.

داشت (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۵). روابط مستحکمی میان تیمور پاشا و ایلات ماکو برقرار بود؛ او در مکاتبات با دولت مرکزی و اتهامات غارتگری که از جانب اتباع سه کشور به آن‌ها زده می‌شد، از ایلات میلان و جلالی حمایت می‌کرد (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۹۹-۳۰۰، ۴۵۶-۴۵۷). خان‌های ماکو با پرداخت گندم و پول نقد (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۲۸۲) و دادن اجازه غارتگری به اکراد در مناطق مرزی، خاک عثمانی (انوری افندی، ۱۴۰۲: ۲۹۲؛ صادقی، ۱۳۸۸: ۱۵۸، ۱۷۰-۱۷۱) و قلمرو مخالفانشان، اطاعت و حمایت اکراد منطقه را به دست می‌آوردند. آن‌ها به این اکراد اجازه غارت رو ستاها و کاروان‌های تجاری را هم می‌دادند (آر شیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۱، کارتن ۱۲۱، پرونده ۸، سند ۲۴).

در نبود قشون حکومت مرکزی، نیروی نظامی حکام محلی کارآمدترین و گاه تنها نیروی نظامی قابل اتکای قاجارها برای حراست از مرزها و مقابله با شورش‌های داخلی بود. در این راستا قشون ماکو از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ آن‌ها در امور سرحد داری و حفاظت از مرزهای کشور کوشا بودند، به‌ویژه در نوار مرزی عثمانی که خطوط مرزی به‌صورت دقیق مشخص نبود (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۳، ۴۵۶-۴۵۵، ۶۷۱). تیمور پاشا در روابط ایران و عثمانی و مسائل مرزی دخالت فراوانی داشت و بسیاری از مشکلات سرحدی و منازعات ایلات طرفین را بدون مراجعه به حکومت مرکزی حل و فصل می‌کرد (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۸۲؛ افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۴). او در روابط با سه قدرت ایران، روسیه و عثمانی به‌صورت کج دار و مریز رفتار می‌کرد: «او پیوسته به‌طرف قوی تمایل دارد، اما روابط خود را با طرفهای دیگر هم قطع نمی‌کند». وی در جنگ روسیه و عثمانی در سال ۱۸۷۷-۱۸۷۸ م/ ۱۲۹۴-۱۲۹۵ ق «تأثیر گذار بوده است. در همان جنگ وقتی که او خدمات خود را به ما [روسیه] پیشنهاد داد و در تأمین مواد غذایی با ما همکاری کرد، کردهای تابع او به بایزید صدمه رساندند و انبار اسلحه ترک‌ها را [...] غارت کردند» (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۶). مسافرت‌های مکرر خوانین ماکو به تفلیس و دیگر شهرهای قفقاز (اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۰۷، کارتن ۱۲۲، پرونده ۳، سند ۴۸۲؛ اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۰۰، کارتن ۹۵، پرونده ۱۱، سند ۵۲)، روابط تجاری با روسیه که اغلب غیرقانونی بود (ضرغام، ۱۳۶۹: ۱۲۵)، میانجی‌گیری مقامات روسیه در اختلافات خوانین با یکدیگر و دولت مرکزی (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۱)، تأسی به روس‌ها در طرز زندگی و لوازم معیشت، (مستوفی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۵۷۸) از نمونه‌های مهم روابط خوانین با روس‌ها است. این روابط با حکام و خوانین مرزی عثمانی هم برقرار بود (نصیری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۹۷). اختلافات ایران و عثمانی در تعیین خطوط مرزی و مالکیت بر

بسیاری از روستاهای مرزی این ناحیه (انوری افندی، ۱۴۰۲: ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۷۴؛ مرندی یکانلو، ۱۳۹۵: ۱۴۶، ۲۰۰، ۲۳۱؛ مرندی یکانلو، ۱۳۹۶: ۸۴)، بر توان چانه‌زنی خان‌های ماکو نزد دو قدرت می‌افزود.

مهم‌ترین خدمت نظامی تیمور پاشا خان به دولت مرکزی، مقابله با شیخ عبیدالله کرد نقش‌بندی بود؛ شیخ عبیدالله در رأس گروهی از کردها در سال ۱۲۹۷ هـ. ق به مناطق غربی آذربایجان حمله کرد و شهرها و روستاهای زیادی را غارت کرده و بسیاری را به قتل رساند. اقبال‌الدوله حاکم ارومیه در مقابله با وی ناکام ماند؛ بنابراین تیمور پاشا خان در رأس قوای هفت‌هزار نفری ماکو، خوی و سلماس روانه مقابله با شیخ عبیدالله شد (قراگزلو، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

نادر میرزا قوای ماکو را متشکل از شش فوج سرباز و دو هزار سوار جرار و شش عراده توپ می‌داند (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۴۷۶). تیمور پاشا به‌رغم اینکه شهر ارومیه در محاصره قوای شیخ عبیدالله قرار داشت؛ به دلیل دشمنی و رقابت با اقبال‌الدوله، از نزدیک شدن به شهر و جنگ با قوای مهاجم تامل می‌کرد (فتنه شیخ عبیدالله کرد، ۱۳۹۰: ۳۲۵-۳۲۶؛ نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۴۷۶)؛ اما سرانجام به سمت ارومیه حرکت کرد و این مسئله باعث عقب‌نشینی قوای شیخ عبیدالله از ارومیه شد؛ اما سربازان ماکویی به غارت و سبب مردم ارومیه و روستاهای اطراف دست زدند (فتنه شیخ عبیدالله کرد، ۱۳۹۰: ۶۰۱؛ نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۴۷۷). خوانین ماکو معتقدند که فقط در روستاهای اهل سنت که با شیخ عبیدالله همراهی کرده بودند، غارت صورت گرفت (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۰). سرانجام قوای تیمور پاشا و شیخ عبیدالله در نزدیکی ارومیه، جنگ خونینی را آغاز کردند که با شجاعت و فرماندهی تیمور پاشا، به پیروزی قوای دولتی و فرار شیخ عبیدالله به خاک عثمانی منجر شد (ادیب‌الشعراء، ۱۳۶۴: ۵۶۸-۵۶۴؛ نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳۳؛ افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۳). این خدمت تیمور پاشا مورد توجه ناصرالدین‌شاه قرار گرفت و او با فراموش کردن قتل و غارت‌های نیروهای وی در اطراف ارومیه، لقب «امیر تومان» و «اقبال‌السلطنه» را به وی داد (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳۳-۳۴). این اقدام تیمور پاشا، همواره مورد تحسین مخالفان این خاندان هم قرار می‌گرفت (روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۱۶۹، ۱۷ شوال ۱۳۲۵: ص ۲). مینورسکی معتقد است که پس‌از این ماجرا او به‌عنوان «ناجی آذربایجان شناخته شد» (Minorsky, 1993, V.5:182). جهانگرد روسی در جمع‌بندی قدرت نظامی تیمور پاشا معتقد است که او «شخصیت بسیار بزرگی است که در صورت تغییر حاکمیت در ایران می‌تواند نقش مهمی ایفا کند» (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۷).

۴- قدرت نیمه‌مستقل خوانین ماکو

نظام سیاسی ایران در عصر قاجار بر مبنای تکثر و پراکندگی قدرت استوار شده بود و گروه‌های قدرت بی‌شماری از جمله ایلات، علما، تیول‌داران و غیره وجود داشت که حکومت مرکزی قادر نبود به‌صورت یک‌جانبه بر آنان اعمال قدرت کند، بنابراین آن‌ها خودشان را از حکومت مرکزی بی‌نیاز می‌دانستند (فلور، ۱۳۶۶: ۷-۲۷۶)؛ از این رو دولت قاجار چاره‌ای جز پذیرش این قدرت‌های خودمختار و نظام عدم تمرکز نداشت. علاوه بر آن ضعف دولت مرکزی، فقدان ثبات اداری و عدم وجود قشون دائمی قوی، فرصت مناسبی برای خاندان‌های محلی، از جمله بیات‌های ماکو، فراهم کرد تا گرایش‌های محلی و سیاست‌های گریز از مرکز را در پیش بگیرند؛ توماس الکاک که در حدود سال ۱۸۲۸ م/ ۱۲۴۳ هـ ق از ماکو بازدید کرده، علی‌خان را یک حاکم مستقل می‌نامد (Alcock, 1831: 58). او توجه چندانی به فرمان‌های مسئولان ایالتی آذربایجان نداشت (Fraser, 1840, Vol.2: 320-321). عدم نظارت حکومت مرکزی سبب شده بود که وی با قدرت استبدادی در ماکو حکمرانی نموده و تسلط بی‌چون و چرایی بر رعایا داشته باشد (فلاندن، ۲۵۳۶: ۵۹). استقبال از سفیران و میهمانان خارجی، یکی از وظایف علی‌خان به‌عنوان حاکم مرزنشین بود (دوسرسی، ۱۳۹۰: ۷۴). علی‌خان کاخ بزرگ و مجلل و حرم‌سرا داشت و انتظار داشت تا سفیران خارجی آداب تشریف به حضور او را رعایت کنند (Alcock, 1831: 59-60; Fowler, 1841, Vol. 2: 57).



تصویر مهمانی علی خان برای هیئت انگلیسی (Fowler, 1841, Vol. 2: 57)

میراث استقلال طلبی علی خان به فرزندش تیمور پاشا منتقل شد؛ او می‌کوشید تا جایی که مقدور است، با نادیده گرفتن فرمان‌های دولتی و برنتابیدن مدیریت حکومت مرکزی در امور ماکو، آزاد و سرخود فرمانروایی کند، بنابراین تلاش‌های ناصرالدین شاه برای تسلط و بسط قدرت و نفوذ حکومت مرکزی در ماکو ناکام ماند؛ خوانین ماکو اجازه تأسیس دوایر دولتی از جمله پست‌خانه و خط تلگراف را در این شهر ندادند؛ حتی راه پستی ایران به طرابوزان هم نه از خاک ماکو، بلکه از خاک چالدران عبور می‌کرد (روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۶۷، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: ۲؛ مستوفی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۵۷۸). تیمور پاشا و برادرانش به ناصرالدین شاه اعتماد نداشتند و اهمیت خاصی به تدابیر امنیتی در روابط با شاه قاجار می‌دادند؛ وقتی در سال ۱۲۹۵ از تیمور پاشا و برادرانش خواسته شد تا در رکاب ولیعهد به تهران رفته تا درباره امور سرحدی مورد مشورت قرار بگیرند، تیمور پاشا به بهانه مرضی به تغلیس رفت و عنوان کرد که مرضی او تا یک سال بهبود نخواهد یافت، همچنین بهلول پاشا برادر دیگر هم احتیاط لازم را به عمل آورده و عنوان کرد که برای حفظ سرحدات باید در رأس قوای خود در ماکو بماند و تنها اسماعیل پاشا می‌تواند به این مأموریت برود، بنابراین از حضور در رکاب ولیعهد طفره رفتند (طاهر احمدی، ۱۳۷۰: ۲۱۶-۲۱۴)؛ اما سال

بعد که سوءظن خوانین کم شد، تیمور پاشا با انتصاب بهلول پاشا به نیابت خود در ماکو، شاه را در مسافرت خراسان همراهی نمود (طاهر احمدی، ۱۳۷۰: ۶۰۷-۶۱۱). در سال ۱۳۰۶ هـ ق مظفرالدین میرزا به قصد شکار و تفریح عازم خوی شد و در مسیر از محال چایپاره در قلمرو خان‌نشین ماکو عبور کرد، تیمور پاشا و برادرش اسحاق پاشا در چایپاره به استقبال وی رفتند و ولیعهد دربارهٔ اوضاع ماکو و سرحدات از آن‌ها سؤالاتی کرد (مظفرالدین میرزا، ۱۳۴۲: ۱۰). به خاطر سوءظن به مظفرالدین میرزا و لزوم اتخاذ تدابیر امنیتی، تیمور پاشا با دو هزار اسب‌سوار مسلح در پیش وی حاضر شده بود (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۶).

اغلب منابع تیمور پاشا را حاکم مستقلی معرفی کرده‌اند: بر اساس ارزیابی روس‌ها: «خان‌نشین ماکو در اداره دایره خود به شکل مستقل عمل می‌کند؛ تا حدی که فقط به شکل اسمی تابعیت شاه ایران را می‌شناسد و این امر را با ارسال هدایا به تبریز و تهران ابراز می‌کند» (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۵). ویلسون او را یک «ارباب فئودال و رئیس موروثی منطقه» معرفی کرده است (Wilson, 1895: 87). مستوفی، ماکو را «سلطنت کوچک نیمه‌مستقل» نامیده است که هیچ‌یک از اهالی برای خود صاحب‌اختیاری جز خان نمی‌شناختند (مستوفی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۵۷۸). قدرت و نفوذ او به حدی بود که تقی‌زاده وی را مثل «یک نیمه‌پادشاه» و درجایی وی را «مثل پادشاه سرحدی» نامیده است (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۸۲). او در میان مردم ماکو به «تیمور شاه» مشهور بود (Minorsky, 1993, V.5:182؛ آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۶).

یکی از عوامل استقلال و خودسری خوانین ماکو، وجود قلعهٔ نفوذناپذیر ماکو بود که در از دورهٔ باستان ضامن استقلال و خودسری خاندان‌های حکومتگر محلی مستقر در آن بود، این قلعه در اوایل دورهٔ قاجار نیز حصار تسخیرناپذیری بود و چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کرد (Monteith, 1833, Vol.3: 48-49؛ Fowler, 1841؛ Fraser, 1840, Vol.2: 318-320؛ Vol. 2: 55-56). این ویژگی در دورهٔ ناصری هم حفظ شده بود «شهر ماکو الان شهر جدیدی است اما قلعهٔ طبیعی بی‌مانند، شهر قدیم ماکو است که ممکن نیست هیچ توپ و قشون و استعدادی بآن دست یابد و نظیر آن در هیچ جای دنیادیده نشده. از کوه که بالا می‌روی جایی است که گویا از کوه و سنگ سخت بریده شده و بقدر یک شهر جایی است که کوه آن را پوشانیده و هرگز زیر آن روی برف و باران ندیده فقط یک روبفضا است که آن را هم قلعه‌ای خیلی محکم از سنگهای بزرگ سخت کشیده‌اند» (حاج سیاح،

*. برای آگاهی از عملکرد قلعهٔ ماکو در حفظ استقلال حکام ماکو در برابر حکومت‌های ایرانی بنگرید به (آقازاده، ۱۴۰۰: ۷۸-۶۱).

۱۳۵۹: ۲۶۲). در اواخر حکومت تیمور پاشا، همچنان ساختار قلعه حفظ شده بود و از آن برای نگهداری ادوات و تجهیزات جنگی و حفظ خزانه استفاده می شد (Wilson, 1895: 87).

حکومت مرکزی برای کنترل قدرت خان‌های ماکو، علاوه بر تحریک اختلافات خانوادگی، انتصاب افراد قدرتمند و مخالف خوانین به حکومت خوی (در همسایگی ماکو) و تقویت بنیه نظامی آن‌ها را دنبال می کرد تا جلوی اقدامات خوانین را بگیرند (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۱، ۴۰؛ نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۵؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۳۰۵). این سیاست در چالدران (قراغینی) هم اجرا می شد و حکام این شهر نظیر حسین خان و طاهر خان حیدرانلو از طرف مظفرالدین میرزا به شدت حمایت می شدند (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۴؛ افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۴۰). اختلافات قدیمی ایلات جلالی و حیدرانلو (صادقی، ۱۳۹۴: ۷۴۰؛ اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۰۷، کارتن ۱۲۲، پرونده ۳، سند ۴۸۲)، زمینه ساز حمله عشایر و قشون ماکو به دستور تیمور پاشا به چالدران در سال ۱۳۱۲ شد. در جنگ میان طرفین حدود ۱۲۰ نفر از افراد ایل حیدرانلو کشته و طاهر خان اسیر شد؛ ولی خان ماکو او را خلعت داد و به مقر خود بازگرداند (ضرغام، ۱۳۶۹: ۱۸۱؛ افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۴۱). پیگیری‌های حکومت مرکزی برای جبران خسارت خوانین چالدران راه به جایی نبرد، بنابراین مظفرالدین میرزا، امیر بهادر جنگ را به دویت سوار قراچه داغی به خوی فرستاد «بلکه جوری بکند بماکو برود، سردار [تیمور پاشا] را بگیرد ناصرالدین شاه مانع شد» (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۵). این نقشه کودکانه ولیعهد هم با بودن چندین هزار نظامی در کنار حاکم ماکو شدنی نبود. با این حوادث، قدرت بازدارندگی حکومت مرکزی در این بخش از بین رفت و تلاش حاکمیت برای ایجاد رقابت کنترل شده بین خاندان‌های شمال غرب با برتری بیات‌های ماکو، ناکام ماند (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۵).

با قتل ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ هـ ق)، تیمور پاشا خان با اعزام دویت سوار، مظفرالدین شاه را در عزیمت از تبریز به تهران همراهی کرد و ظاهراً کدورت میان طرفین هم خاتمه یافت (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۲۵). تیمور پاشا هم یک سال پس از ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۱۴ هـ ق از دنیا رفت (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۴۲).

۵- عدم پرداخت مالیات

خوانین ماکو، مالک املاک و مستغلات بسیار وسیعی بودند و از بزرگ‌ترین زمین‌داران کشور بودند و املاک تمام منطقه ماکو، عربلر (پلدشت) و چایپاره به آن‌ها تعلق داشت، به علاوه در چالدران، خوی و ایروان هم ملک داشتند

(افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۳۲؛ Wilson, 1895: 87). گندم املاک آن‌ها در سال به حدود ۷ تا ۸ هزار خروار می‌رسید (مستوفی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۵۷۶). آن‌ها انواع و اقسام مالیات از رعایا می‌گرفتند: «مالیاتی که از نه خروار سه خروار می‌گیرند و سایر چیزها از قبیل سرشماری و قند و اعیاد و بره و جوجه و غیره» (روزنامه حبل‌المتین، سال اول، شماره ۶۳، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵، ص ۲). علاوه بر آن روش‌های مختلف دیگری برای بهره‌کشی از رعایا داشتند (روزنامه انجمن تبریز، سال اول، شماره ۶۰، ۱۳ صفر ۱۳۲۵، ص ۴). با این شرایط، تیمور پاشا ثروت بسیار زیادی داشت (Wilson, 1895: 87)

تیمور پاشا علی‌رغم این املاک وسیع و درآمد سرشار، مالیاتی به حکومت مرکزی پرداخت نمی‌کرد (امین‌الشرع خویی ۲۱۱ ب-۲۱۲ الف). با وجود اینکه دولت در دوره ناصری مختصر نشانه‌ای از قدرت و نفوذ داشت، مکرر اتفاق می‌افتاد که «مأمور ولیعهد دولت یا ایالتی حواله مالیاتی و براتی با خود برده و از تیمور پاشاخان [...] هزار فحش و کلمات غیر مربوطه شنیده، عوض پول حرفهای درشت استماع نموده، معاودت می‌نمودند» (امین‌الشرع خویی، ۲۱۲ الف). او حتی از پرداخت مقرری کمیسیون سرحدی که بر عهده وی بود خودداری می‌کرد (مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۱۱، کارتن ۲۱، پرونده ۸، سند ۲۷) و به‌انحاء مختلف در فعالیت این کمیسیون کارشکنی می‌کرد (مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۱۰، کارتن ۱۲۱، پرونده ۷، شماره سند ۲۹). امین‌الشرع خویی دلیل مماشات حکومت قاجار با تیمور پاشا را در ضرورت حفظ امنیت سرحدات ماکو دانسته است: «زیرا که مسلم بود که اگر مختصر سخت‌گیری کرده بودند لابداً سردار ماکو با عشایر عثمانلو و ایران و روس اشارتی و در سرحد انقلاب و آشفتگی بزرگی فراهم کرده و دولت را به‌زحمت و خسارت فوق‌العاده‌ای بیم همی دادند به‌اصطلاح یک گربه مرده‌ای در میان کرده و دولت را با یکی از این دو دولت همسایه به جنگ می‌انداختند. و راپورتهای پی‌درپی می‌داد که عشایر عثمانی از فلان سمت به خاک ایران تعدی کرده یا عشایر روس یا عسکر یکی از اینها تعدی نموده، فتنه برپا می‌کردند من باب عطای او را به لقای او بخشیدیم دولت به زبان حال می‌گفت مرا به خیر تو امید نیست شرّ مرسان» (امین‌الشرع خویی: ۲۱۲ الف).

تیمور پاشا به رفتار خودسرانه تا آنجا ادامه می‌داد که حکومت قوایی به املاک او می‌فرستاد و با زور از رعایای املاک او مالیات می‌گرفتند و یا دولت سعی می‌کرد با توقیف املاک و مغازه‌های خان‌های ماکو در خوی، آن‌ها را ملزم به پرداخت مالیات کند؛ ولی این اقدامات منفعلانه نیز تیمور پاشا را از رفتارهای خودسرانه منصرف نمی‌کرد (ضرغام، ۱۳۷۰: ۱۱۹، ۱۹۶، ۱۹۸). در سال ۱۳۱۱، ناصرالدین‌شاه، پیشخدمت خود را برای وصول بقایای سنواتی

ماکو به منطقه فرستاد، اما او هم کاری از پیش نبرد و دست‌خالی بازگشت (ضرغام، ۱۳۶۹: ۱۳۰). او در زمینه تجارت با دول خارجه هم قوانین حکومت مرکزی را رعایت نمی‌کرد و علی‌رغم ممنوعیت صدور غله به خارج از کشور در زمان قحطی، به این روند غیرقانونی ادامه می‌داد (ضرغام، ۱۳۶۹: ۱۲۵). طبق گزارش روس‌ها در سال ۱۳۰۷ هـ. ق/ ۱۹۸۰ م، خوانین ماکو در ظاهر تابع شاهان ایران بودند و وابستگی‌شان به حکومت ایران را نه با پرداخت مالیات، بلکه با ارسال هدایایی به تهران و تبریز نشان می‌دادند (آرتامونوف، ۱۴۰۱: ۵۵).

۶- استقبال از شاه

یکی از وظایف حکام محلی، از جمله خوانین ماکو در قبال حکومت مرکزی، استقبال از شاه در مواقعی که از نزدیکی قلمرو حکومتی آنان می‌گذشت، بود، وقتی که ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۹۵ هـ. ق برای دومین بار عازم سفر فرنگستان شد، تیمور پاشا خان همراه اعیان و قشون ماکو در جلغا از ناصرالدین‌شاه استقبال کرد: «تیمور پاشا خان ماکوئی با اعیان ماکو و سواره ماکو و سواره اکراد جلالی و غیره از ماکو آمده بودند، دیده شدند، صحبت شد. خیلی بودند» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۹: ۵۰). او تا ایروان شاه را همراهی نمود و گفتگوهای مفصلی با شاه داشت (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۹: ۵۹-۶۰). در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا (۱۳۰۶ هـ. ق) نیز تیمور پاشا خان همراه برادران و اعیان ماکو در کنار رود ارس به حضور شاه رسید: «تیمور پاشا خان سرتیپ و برادرهای او با هزار نفر سوار که همه با تفنگ‌های مارتینی بودند فراهم آمده صف کشیدند، از نظر مبارک گذشتند» (امین لشکر، ۱۳۷۸: ۷۴). وی تازه به درجه سرداری ارتقا یافته و لباس مخصوص آن را پوشیده بود. او تا ایروان شاه را همراهی کرد (امین لشکر، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۴). در هنگام بازگشت شاه، تیمور پاشا خان در تفلیس، به استقبال شاه شتافت (محرم سال ۱۳۰۷ هـ. ق) و او را تا شهر مرند همراهی کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۳: ۸۶، ۴۸) و چهل رأس اسب به شاه پیشکش کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۳: ۲۲۴). آرتامونوف معتقد است که خود شاه به تیمور پاشا فرمان داده بود تا به او ۵۰ رأس اسب باری و هفتاد رأس اسب‌سواری بفرستد. این هدایا بخشی از اعلام وابستگی وی به حکومت مرکزی ایران بود (آرتامونوف، ۱۴۰: ۵۵). ناصرالدین‌شاه از روی تحقیر، تیمور پاشا خان را آدم نفهمی توصیف می‌کند که آداب پوشیدن لباس نظامی را بلد نبود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۳: ۴۸).

نتیجه

مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، جغرافیایی و سیاسی-نظامی زمینه‌ساز تداوم یک قدرت محلی در ماکو در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار شد. موقعیت ماکو در منتهی‌الیه مرزهای شمال غرب ایران و در مجاورت مرزهای روسیه و عثمانی به همراه وجود قلعه تسخیرناپذیر آن، به تداوم امنیت آن کمک شایانی می‌کرد. خاندان بیات با بهره‌گیری از مواهب فوق، پایه‌گذار سنت حکومت محلی وابسته به شاهان ایران در ماکو شدند. با تشکیل حکومت قاجار، خوانین ماکو به اطاعت این حکومت درآمدند، اما جنگ‌های ایران و روسیه و تبدیل شدن ماکو به مرز میان ایران و روسیه و عثمانی بر اهمیت این منطقه در جغرافیای سیاسی ایران افزود. این مسئله در کنار افول قدرت قاجارها پس از این جنگ‌ها، زمینه را برای قدرت‌گیری بیشتر خوانین جاه‌طلب این حکومت فراهم نمود و آن‌ها با استفاده از قدرت نظامی ایلات منطقه، برقراری روابط با روسیه و عثمانی و ثروت فراوان سیاست‌های گریز از مرکز خود را بیشتر کردند.

خوانین ماکو در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه با ارزیابی دقیق رفتار حاکمیت قاجار و واکنش‌های مناسب به آن، ضمن ادامه دادن به حکومت موروثی، در برابر تمرکزگرایی ناصرالدین‌شاه مقاومت کردند. آن‌ها از پرداخت مالیات به حکومت مرکزی خودداری کرده و اجازه شکل‌گیری ادارات دولتی را در ماکو ندادند، استقبال از پادشاه و دادن هدیه به وی و مشارکت در سرکوب شورش‌ها از عمده‌ترین خدمات آن‌ها به حکومت ناصری بود. حکومت مرکزی برای کنترل قدرت خان‌های ماکو از ابزار رقیب تراشی در برابر آن‌ها (در چالدران و خوی) و تحریک اختلافات خانوادگی خوانین بهره می‌برد، اما در این مسیر با ناکامی مواجه شد و تیمور پاشا از قدرتمندترین خوانین ماکو، به‌صورت حاکمی نیمه‌مستقل با اختیارات زیاد در ماکو عمل کرده و میراث خانوادگی خود را پس از مرگ به فرزندش مرتضی‌قلی خان اقبال‌السلطنه به ارث گذاشت.

منابع

کتاب و مقالات فارسی

ادیب‌الشعرا، میرزارشید (۱۳۴۶)، *تاریخ افشار*، به انضمام تاریخ قیام شیخ عبیدالله، به تصحیح و اهتمام پرویز شهریار افشار و محمود رامیان، تبریز، نشر شفق.

- اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۸۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷)، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، تهران، نشر روزبهان.
- افتخاری بیات، حسینقلی (۱۳۸۱)، *تاریخ ماکو*، به کوشش حسین احمدی، تهران، نشر شیرازه.
- امانت، عباس (۱۳۹۱)، *قبله عالم: ناصرالدین‌شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۳۱۳-۱۲۴۷)*، ترجمه حسن کامشاد، تهران، کارنامه.
- امین لشکر، میرزا قهرمان (۱۳۷۸)، *روزنامه خاطرات امین لشکر*، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریا گشت، تهران، انتشارات اساطیر.
- امین‌الشرع خوبی، میرزا ابوالقاسم بن اسدالله (بی‌تا). *تاریخ خوی*، نسخه خطی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره مسلسل ۸۵۳۰.
- انوری افندی، سید سعد الله (۱۴۰۲)، *سفارت‌نامه ایران: اسناد، مکاتبات و صورت مجالس مذاکرات ارزنه‌الروم (۱۲۶۳-۱۲۵۹ هجری قمری)*، تصحیح و ترجمه نصرالله صالحی و صفیه خدیو، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، انتشارات خوارزمی.
- آرتامونوف، لئونید کنستانتین (۱۴۰۱)، *آذربایجان (ساختار اداری-سیاسی و اوضاع جغرافیایی)*، ترجمه منیژه صدری و رستم حاجی اوف توفیق اوغلی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- آقازاده، جعفر (۱۳۹۹)، «حکومت ایلی در ایران: نقش خاندان بیات ماکویی در دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی» فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۵، ص ۷-۴۰.
- آقازاده، جعفر (۱۴۰۲)، «جغرافیای تاریخی ماکو» فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۳۶۸-۳۴۹.

آقازاده، جعفر (۱۴۰۰)، «قلعه ماکو در مناظرات صفویان و عثمانی‌ها، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۹، شماره ۲، ص ۷۸-۶۱.

بهاء الدوله، بهمن میرزا (۱۳۹۹)، *روزنامه خاطرات بهاء الدوله*، به کوشش بهمن بیانی و مجید عبد امین، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و نشر سخن.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی.

تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۹)، *زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده*، به کوشش عزیز الله علیزاده، تهران، نشر فردوس.

جهانگیر میرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو*، به کوشش عباس اقبال، تهران، نشر علم.

حاج سیاح، محمدعلی محلاتی (۱۳۵۹)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، تصحیح سیف‌الله گلکار، به کوشش حمید سیاح، تهران، انتشارات امیرکبیر.

خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، کتاب‌فروشی زوار.

دنبلی، عبدالرزاق مفتون (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، انتشارات روزنامه ایران.

زاغیان، اسدالله، بوشاسب گوشه، فیض‌الله و سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۹۷)، «*تحلیل عملکرد دولت مرکزی و حاکمان محلی آذربایجان در رویارویی با شورش شیخ عبیدالله شمزینی ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ ق/ ۱۸۱۰-۱۸۱۱ م*»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال ۱۰، شماره ۴، ص ۱۱۵-۱۳۳.

سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۹۰)، *ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر.

صادقی، عباسقلی (۱۳۸۸)، *مکاتبات دول‌ثلاثه با دولت ایران (جلد سوم: عثمانی)*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

صادقی، عباسقلی و بهروز صادقی (۱۳۹۴)، *مکاتبات داخلی و خارجی عهد مظفرالدین میرزا ولیعهد*، تهران، نشر تاریخ ایران.

ضرغام، شهریار (۱۳۶۹)، گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه، خبرهایی از خوی، بی‌جا، بی‌نا.
 طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۶)، «روابط اقبال السلطنه ماکویی با حکومت مرکزی و شوروی»، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۲۵ و ۶، ص ۵۵-۶۴.

طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۰)، *تلگرافات عصر سپهسالار*، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

عزیزالسلطان، غلامعلی (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات عزیزالسلطان «ملیجک ثانی»*، به کوشش محسن میرزایی، تهران، انتشارات زریاب.

غنی، قاسم و عباس اقبال (۱۳۲۳)، «*غرامت معاهده ترکمانچای و جریان پرداخت آن*»، مجله یادگار، سال ۱، شماره ۲، ص ۲۱-۳۵.

فتنه شیخ عبیدالله کرد، گزارش وقایع حمله کردها به صفحات آذربایجان در دوره قاجاریه (۱۳۹۰)، مقدمه و تصحیح یوسف بیگ‌بابا پور و مسعود غلامیه، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی.

فراهانی، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام (۱۳۵۹)، *نامه‌های پراکنده قائم‌مقام فراهانی*، به کوشش جهانگیر قائم‌مقامی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، نشر اشراقی.

فلور، ویلم (۱۳۶۶)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.

قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۷۴)، *اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای*، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

قراگزلو، علی‌اکبر خان (۱۳۹۳)، *رساله افتتاح ناصری*، تصحیح محمد کلهر، ضمیمه کتاب *جستاری پیرامون جنبش شیخ عبیدالله شمدینی ۱۲۹۷ هـ ق*، تهران، نشر پردیس دانش.

کارنامه نصرت الدوله ماکویی (۱۳۷۵)، به کوشش ایرج افشار، در میراث اسلامی ایران به کوشش رسول جعفریان، ج ۳، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

کلارک، جیمز دی (۱۴۰۲)، *آذربایجان در دوره قاجار: تاریخ سیاسی آذربایجان ۱۳۶۴-۱۲۲۴ (۱۸۴۸-۱۹۰۶)*، ترجمه شهلا طهماسبی، تبریز، نشر آیدین.

مردی یکانلو، میرزا مهدی خان ناظم الملک (۱۳۹۵)، *مجموعه رسائل و لوايح تحديد حدود ایران و عثمانی*، به کوشش نصرالله صالحی، تهران، نشر طهوری.

مردی یکانلو، میرزا مهدی خان ناظم الملک (۱۳۹۶)، *ملاحظات و محاکمات: دو لایحه در تحديد حدود ایران و عثمانی، ۱۲۹۲ هجری قمری*، به کوشش نصرالله صالحی، تهران، نشر طهوری.

مستوفی، عبدالله (۱۳۹۸)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، تهران، نشر زوار.

مظفرالدین میرزا (۱۳۴۲)، *سفرنامه مظفرالدین شاه از تبریز به خوی در هنگام ولیعهدی*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، مجله یغما، شماره ۱۷۷، ص ۱-۱۶.

موسوی ماکویی، میر اسدالله (۱۳۷۶)، *تاریخ ماکو*، تهران، نشر بیستون

نادر میرزا (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز، نشر ستوده.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار در سفر دوم فرنگستان*، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۸)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از اول ربیع الاول ۱۲۸۷ تا شوال ۱۲۸۸*، به انضمام *سفرنامه کربلا و نجف*، کوشش مجید عبد امین: تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی و نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۹)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از شوال ۱۲۸۸ تا ذیحجه ۱۲۹۰ به انضمام سفرنامه اول فرنگ، به کوشش مجید عبد امین: تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی و نشر سخن.

ناصرالدین شاه، ۱۳۷۳

نصرت ماکویی، محمدرحیم (۱۳۷۳ هـ ق)، تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، قم، چاپخانه علمیه.

نصیری، محمدرضا (۱۳۶۸)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: قاجاریه، ج ۲، تهران، انتشارات کیهان.

هدایت، مهدی قلی (۱۳۸۹)، خاطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار.

هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰)، تاریخ روضه الصفای ناصری، به اهتمام جمشید کیان فر، تهران، انتشارات اساطیر.

منابع غیر فارسی

Alcock, Thomas (1831), *Travels in Russia, Persia, Turkey and Greece in 1828-1829*, London: Rutledge.

Amanat, Abbas (2011), "AQASP", *Encyclopedia Iranica*, vol. II, pp.183-188. Bournoutian, George A (1998), *Russia and the Armenians of Transcaucasia 1797-1889 A Documentary Record*, California: Mazda Publishers.

Çelebi, Evliya (2012). *Günümüz Türkçesiyle Evliya Çelebi Seyahatnamesi*. Hazırlayanlar Seyit Ali Kahramanve Yücel Dağlı. İstanbul: YapıCredi Yayinlari.

Ferrier, J. P (1857), *Carvan Journey and Wanderings in Persia. Afghanistan, Turkistan, and Beloochistan*, Translated by William Jess, Edited by H. D. Seymous, London: John Murray.

Fowler, George (1841), *Tree Years in Persia with Travelling Adventures in Koordistan*, London: Henry Colburn.

Fraser, James Bailey (1840), *Travels in Koordistan, Mesopotamia*, London: Richard Bentley.

Mehmetov, Ismail (2009), *Türk kafkasında Siyasi ve Ethnik Yapı: Eski Çağlardan Günümüze*, Istanbul: Yayıncılık.

Minorsky, Vladimir (1993), *Maku in the: First Encyclopedia of Islam, 1913-1936, V.5*, Leiden: E.J. Brill.

Monteith, William (1833), *Journal of a Tour through Azarbdbijan and the Shores of the Caspian*, Vol.3, London: **Royal Geographical Society**, pp. 1-59.

Osmanlı Arşiv Belgelerinde Nahçıvan (2011), İatanbul: Başbakanlık Devlet Arşivleri.

Qarayev, Elçin, (2010), *İrəvan Xanlığı (1747-1828)*. Bakı: Avropa nəşriyyatı.

Reports From Commissioners, Inspectores, and others (1876), Session 8 february- 15 Augustus 1876, V. 38, London: Great Britain. Parliament. House of Commons.

Türk Dil Kurumu: *Paşa Kelemesi*

Wilson, Samuel Graham (1895), *Persian Life and Customs*, London: Fleming H. Revell Company.

Присоединение восточной Армении к России (1978), Том II. (1814-1830). Ереван. Академии наук Армянской ССР. F

روزنامه‌ها

روزنامهٔ جبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۱۶۹، ۱۷ شوال ۱۳۲۵: ۲.

روزنامهٔ جبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۶۷، ۳ جمادى‌الاول، ۱۳۲۵: ۲.

روزنامهٔ جبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۶۳، ۲۷ جمادى‌الاول ۱۳۲۵، ص ۲.

روزنامهٔ انجمن تبریز، سال اول، شماره ۶۰، ۱۳ صفر ۱۳۲۵، ص ۴.

اسناد

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، خارجه، سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۷، پرونده ۲، سند ۲۱.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۰، کارتن، ۹۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۵۲.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۷، کارتن ۱۲۲، پرونده ۳، سند ۴۸۲.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰، کارتن ۱۲۱، پرونده ۷، شماره سند ۲۹.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۱، کارتن ۱۲۱، پرونده ۸، سند ۲۴.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۱، کارتن ۲۱، پرونده ۲۰، سند ۲۷.

سازمان اسناد ملی ایران، شماره ۲۹۵/۷۴۵۷.

اسناد مجموعه کاخ-موزه باغچه جوق ماکو، بدون شماره.